

گزاشی از

اعزام دانشجویان به عمره



اعزام حدود هشت هزار نفر از دانشجویان به سفر زیارتی عمره در سال ۱۳۷۶، یکی از اقدام‌های بسیار خوب و پسندیده‌ای بود که به همت نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای محمّدی ری شهری و با همکاری و هماهنگی معاونت دانشجویی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان حج و زیارت تحقق یافت. به دنبال آن، بعضی از رؤسا و مسؤولان دانشگاههایی که دانشجویانشان به حج مشرف شده بودند، نامه‌های جداگانه‌ای برای نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت ارسال کرده و در آن از تأثیرات معنوی حج سخن گفته‌اند که اینک بخشهایی از آن نامه‌ها را در زیر می‌آوریم:

آقای دکتر محمّدعلی طالبی معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تربیت معلم سبزوار:

«این سفر معنوی، پیامدهای مثبتی را به شرح زیر به ارمان آورده:

۱- آشنایی با سرزمین وحی و نزول قرآن کریم و بالطبع شکوفایی بینش اسلامی دانشجویان.

۲- ایجاد و تعمیق و تقویت مبانی و انگیزه‌های دینی، اعتقادی و فکری آنان.

۳- مقابله با تهاجم فرهنگی و آسیب‌پذیریهای ویژه دانشجویان.



- ۴- بها دادن به قشر دانشجویان و ایجاد نشاط روحی در آنان.
- ۵- آشنایی بیشتر با فرهنگ و اعتقادات مذهبی و فکری مسلمانان سایر ملل (با توجه به حضور مسلمانان دیگر کشورها در مکه مکرمه و مدینه منوره برای زیارت).
- ۶- رشد و افزایش خصلت اجتماعی زیستن دانشجویان.

آقای عبدالرضا شیخ الاسلامی رییس دانشگاه مازندران:

کاروان حج و عمره این دانشگاه مرکب از تعداد ۸۵ نفر دانشجویان و ۱۸ نفر عضو هیأت علمی و کارکنان دانشگاه، از تاریخ ۳ تا ۱۷ شهریور ماه جاری (۱۳۷۶ ه.ق.) به مدینه منوره و مکه معظمه مشرف گردیدند.

حکایت فرزندان ما داستان شگفت‌انگیز و بدیعی است؛ آنها که همراه این خواهران و برادران جوان بودند، جملگی بر این باورند که این سفر حامل تحولی عمیق و انقلابی از عمق وجود این زائران بود که هرگز هیچ مکتب و مدرسه‌ای قادر به آموزش و ایجاد آن نیست.

لحظه‌ها و صحنه‌های تکان دهنده راز و نیاز آنان در کنار حرم حضرت محمد ﷺ و حضرت فاطمه زهرا (ع) ، صحنه‌های جگرسوز آنها در کنار بقیع، دل‌کندن دشوار و جدایی درد آلودشان از مدینه و بی‌قراری آنان در میقات و آنگاه سر بر آستان دولت ساییدنشان با تمام وجود، و «الله اکبر» گفتنشان در سعی صفا و مروه و پرواز هماهنگ آنها در این سعی، که همگان را به خود جلب کرده بود، بخشی از پیام‌هایی است که دریافت کردیم و اینک بر ما فرض است که از جناب عالی و همه‌آنهايي که برای فراهم ساختن موجبات این سفر فراموش ناشدنی تلاش و کوشش نمودند سپاسگزاری نماییم.

آقای دکتر محمد مهدی علیشاهی، سرپرست دانشگاه شیراز:

بی‌شک استکبار جهانی پس از شکست در ترفندها و توطئه‌های گوناگون خود در جهت براندازی نظام نوپای اسلامی مردم ایران، به خصوص پس از جنگ تحمیلی هشت ساله، این بار صحنه جنگ را به عرصه فرهنگی و اخلاقی کشاند

و تجربهٔ دیرین غرب را که قرن‌ها پیش در اندلس پیاده شده بود، بار دیگر در معرض آزمون درآورد تا از طریق فساد اخلاق و به ابتدال کشیدن نسل‌های نوحاسته، زمینه‌های سستی و بی‌اعتقادی و انحطاط اخلاق را فراهم سازد و بدین وسیله بتواند بار دیگر سلطهٔ نامیمون خویش را برقرار سازد؛ یعنی آن چیزی که رهبر فرزانهٔ انقلاب حضرت آیه‌الله خامنه‌ای - دامت برکاته - از آن به عنوان «شیخون فرهنگی» یاد کردند. نسل جوان به ویژه معرفت‌آموختگان دانشگاهی امروز از یک سو نگاهی واقع‌بینانه و تحلیل‌گرایانه به حوادث جاری جهانی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی و علمی داشته و از سوی دیگر سعی کرده‌اند که بستری مناسب جهت توسعهٔ همه‌جانبه بر بنیاد ارزشهای معنوی و الهی و انسانی فراهم کنند.

بی‌شک چنین حرکت عظیم و بدیعی که در اعزام کاروانهای دانشجویی به حج عمره شکل گرفته است، دارای اثرات و نتایج مهمی است که اثرات آن را به وضوح بر این قشر روشنفکر شاهدیم، از جمله:

- ۱- فراهم آمدن فرصتی مناسب برای مشرف شدن دانشجویانی که مشتاق زیارت خانهٔ خدا هستند به مکه.
- ۲- پدیدار شدن تحوّل روحی و معنوی دانشجوی مشرف شده به مکه که بی‌شک اثرات معنوی و الهی بسیاری را در زندگی خود و همچنین جامعهٔ اسلامی خواهد داشت.
- ۳- تشویق دیگر دانشجویان در دانشگاه برای تکرار چنین عمل و حرکت مقدّس.
- ۴- و از همه مهمتر گسترش فرهنگ معنوی و الهی ناب در میان قشر روشنفکر و تحصیل کردهٔ دانشجو.

آقای کاشانی سرپرست معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی:

در زمان حاضر که از هر سو خطرات تهاجم فرهنگی چون طوفان ویران کننده‌ای، فرهنگ ناب اسلامی را تهدید می‌کند، با توجّه به نقش سازنده‌ای که اماکن مقدّس اسلامی چون مکه (خانهٔ خدا)، مدینه‌الرسول (مرکز تبلور دین مبین اسلام) به عنوان مراکز ثقل اسلام عزیز در روح و روان جوانان مسلمان دارد،



مأنوس نمودن جوانان دانشگاهی با این اماکن در زمان حال و آینده یک ضرورت حیاتی می‌باشد. سفرهای حجّ عمره و سایر اماکن مقدّس اسلامی، در نوع خود یکی از محکم‌ترین و بهترین فعالیت‌های فرهنگی است جهت گسترش و تحکیم فرهنگی غنی اسلامی و جلوگیری از تهاجم فرهنگی در جامعه ایران و بستر مناسبی است برای تحقق بخشیدن به فعالیت‌های فرهنگی و دینی.

دانشگاه علامه طباطبایی به عنوان بزرگترین دانشگاه علوم انسانی کشور، ضمن استقبال از این حرکت روح‌بخش و با توجّه به تأثیرات عمیقی که سفر حجّ عمره تابستان ۱۳۷۶، در روح و روان و ایده‌های دانشجویان این دانشگاه گذاشته، ضمن قدردانی از عنایات و توجّهات حضرت عالی در این راستا از سفرهای بعدی این نهاد استقبال می‌نماید، طبق نظرخواهی‌های به عمل آمده از دانشجویانی که در سفر قبلی به حجّ عمره مشرف شده‌اند همگی با رضایت کامل خواهان گسترش و تداوم این حرکت بزرگ فرهنگی می‌باشند.

آقای سید محسن صفوی معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه صنعتی اصفهان:

سفر روحانی و معنوی حجّ عمره دانشجویان، نه تنها به عنوان اردویی فرهنگی-زیارتی، بلکه در حکم حرکتی بسیار مؤثر و گام بزرگی در جهت تحوّل روحی و روانی در میان دانشجویان عزیز است که عناصر اصلی تشکیل دهنده بافت دانشگاهها و سرمایه‌های سرشار نظام مقدّس جمهوری اسلامی‌اند و نیز اثرات سازنده و متعدّد آن بر روی دانشجویان اعزام شده و سایر دانشجویان به نحوی نمایان بوده است.

در طول سفر، صحنه‌ها و خاطرات ارزشمندی خلق گردیده که بعضاً بخشی از آن، از زبان دانشجویان در جلسه بعد از موسم، تشریح گردید و بیان هر یک از این خاطرات و گزارشها آنچنان الهام بخش و تکان دهنده بود که عطش و شیفتگی را جهت عزیمت در سایر دانشجویان به شدّت برانگیخته است که اینک به عنوان نمونه، بعضی از گزارشها و خاطرات را می‌آوریم:

- ۱- تجمّع هر شب کلیه برادران و خواهران دانشجوی کاروان، پشت نرده‌های بقیع و اقامه زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا با شور و حال عجیب معنوی.
- ۲- مشاهده نور درخشان و مبارکی در تاریکی شب در میان قبرستان بقیع در

حین اقامه دعا و زیارت توسط سه تن از دانشجویان و مدیر محترم کاروان به طوری که ولوله و استغاثه و شور وصف ناپذیری در میان همگان ایجاد کرده است.

۳- طرح سؤالات حساس و جالب در خصوص تاریخ اسلام و فلسفه حج در کاروان و با روحانی محترم کاروان و گفتگوهای روشنگر و جهت‌دهنده در جمع دانشجویان.

۴- تشکّل و حضور با شکوه خواهران به طور منظم در تمامی صحنه‌ها و افتخار آفرین آنها به عنوان الگوی زن مسلمان و نمایانگر جایگاه علمی اجتماعی خواهران در نظام جمهوری اسلامی.

۵- ختم قرآن در مدینه و مکه توسط تعدادی از خواهران و برادران دانشجو.

۶- تجمّع در بالای جبل‌الرحمه در صحرای عرفات و نیایش جمعی و جستجوی امام عصر (عج).

۷- باقی ماندن طولانی در لباس احرام و عدم علاقمندی به خارج شدن از احرام.

۸- احرام بستن مکرر اغلب دانشجویان در کلیه شبها در مسجد تنعیم و انجام مکرر عمره مفرده به نیابت از امامان معصوم علیهم‌السلام.

۹- اعلام مدیر و معاون و روحانی کاروان، مبنی بر این که این سفر در کلیه سفرهای متعدد قبلی آنان سفر نمونه بوده است.

۱۰- روزه‌داری استحبابی تعدادی از دانشجویان در اغلب ایام سفر.

۱۱- زانو زدن دانشجویان در چند نوبت در هنگام اولین ورود به مسجدالحرام و دیدار کعبه و استغاثه و تضرع به درگاه معبود و معشوق یکتا و آفریدن صحنه‌ای باشکوه و به یاد ماندنی توسط جمع جوان و عاشق بیت‌الله الحرام.

۱۲- ملاقات و گفتگوهای تبلیغی توسط تعداد از دانشجویان زبان‌دان با سایر مسلمانان جهان و ایفای نقش مؤثر به عنوان سفیران جمهوری اسلامی و تشیع، در صحنه سیاسی-عبادی حج.

معاون دانشجویی دانشگاه شهید چمران اهواز:

در مدت هفت روزی که در مدینه منوره بودیم با کاروان‌های مختلف دانشجویی، که در مدینه بودند، ارتباط برقرار گردید و هماهنگی لازم به عمل آمد.



زیارت پیامبر ﷺ و امامان بقیع علیهم السلام با حضور جوانان پرشور و انقلابی، از شکوه و عظمت خاصی خود برخوردار بود و دانشجویان این فرصت استثنایی را مغتنم شمرده و از تمام ساعات شبانه روز، استفاده لازم را می‌بردند. برگزاری نمازهای یومیّه در مسجدالنبی، تلاوت قرآن کریم و مناجات با خداوند متعال در روضه و در کنار خانه حضرت زهرا علیها السلام و مناجات‌ها و زیارت‌های شبانه در کنار بقیع، برگزاری برنامه‌های شانگاهی در اقامتگاه همراه با مراسم روضه‌خوانی و سینه‌زنی، از برنامه‌های فرهنگی مؤثر در این مدّت اقامت بود.

در اولین شب جمعه، دعای کمیل با شکوه و عظمت خاص خود برگزار شد و به عنوان بهترین برگزاری دعای کمیل در میان ایام حج عمره شناخته شد، به طوری که از طرف بعثه مقام معظم رهبری در حدّ دعای کمیل ایام حج تمتع از آن یاد می‌شد. برگزاری مراسم جشن میلاد حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اتفاق کلیه کاروان‌های ایرانی در محلّ بعثه مقام معظم رهبری، خود یکی از جلوه‌های شکوه و عظمت این سفر روحانی بود.

نظم و انسجام و همکاری و هماهنگی، در این سفر بسیار چشمگیری بود. رفتار و حرکات دانشجویان مورد تقدیر مسؤولان سازمان حج و زیارت قرار می‌گرفت.

زیارت و بازدید از محلّ جنگ احد و زیارت شهدای احد، بازدید از محلّ جنگ احزاب و زیارت مساجد آن - که برگزاری نماز در مسجد حضرت فاطمه علیها السلام از شکوه و عظمت و خلوص و پاکی و لطافت خاصی برخوردار بود - بازدید از مسجد ذو قبلتین و بازدید از مسجد قبا همراه با اقامه نماز در هر یک از این مساجد، یکی از روزهای به یادماندنی این سفر را تشکیل می‌داد. این بازدیدها با توضیحات روحانی محترم کاروان و مداحی همراه بود و شکوه آن باعث می‌گردید که کاروان‌های دیگری نیز که در آن محلّ بودند به جمع کاروان بپیوندند و به شکوه و عظمت آن بیافزایند.

شب‌های بقیع، شب‌های به یاد ماندنی و جاویدان است. شب‌های بقیع هر چند تاریک و بی‌چراغ است، اما درد دل‌های شبانه شیعه با ائمه بقیع علیهم السلام و مناجات‌ها و زیارت‌های شبانه آنان، فضای عطرآگین آن را نورانی نموده است. هر شب تعداد زیادی از دانشجویان اقامت در کنار بقیع را به خوابیدن در هتل‌ها ترجیح

می دادند و با مناجات گروهی، بهترین ساعات عمر خود را با توسل به ائمه اطهار علیهم السلام به خودسازی مشغول می شدند.

ساعت ۲/۴۵ بامداد در حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله باز می شد، اولین کسانی که مشرف به حرم می شدند، غالباً دانشجویان بودند که معمولاً تا پس از برگزاری نماز صبح در روضه رضوان مسجدالنبی صلی الله علیه و آله به تهجد و نماز شب و عبادت می پرداختند.

در استفاده از ساعات پربرکت حضور در مدینه منوره دانشجویان به رقابت پرداخته بودند. تأکید به اقامه نمازهای یومیه در مسجدالنبی و تلاش جهت ختم قرآن در مسجدالنبی و نماز در کنار خانه زهرا علیها السلام موجب شد که نزدیک به تمامی دانشجویان، نمازهای روزانه را در مسجدالنبی برگزار کنند و بیش از بیست نفر از دانشجویان موفق به ختم قرآن در مدینه منوره گردیدند.

گرایش به خرید، تا سه روز اقامت در مدینه، عملاً وجود نداشت و همه ترجیح می دادند که از فضای معنوی مسجدالنبی و بقیع بهره مند شوند و پس از آن نیز تنها دانشجویان در مراجعت از حرم به تهیه سوغات اقدام می نمودند. فضای روحانی حاکم بر سفر چنان جلوه گر بود که دانشجویان از همدیگر می خواستند دعا کنند که خدا این اشکها را از آنها نگیرد. زیارت وداع در حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه بقیع علیهم السلام لحظات به یادماندنی و اوج عشق و معرفت به ائمه اطهار علیهم السلام بود.

عصر روز شنبه مورخ ۷۶/۵/۴ کاروان دانشجویان به مسجد شجره رفت و در میقات لباس از تن برون کرد و احرام سفید پوشید. دانشجویان کنار همدیگر آمده و از همدیگر حلالیت می طلبیدند، صحنه ای که شاید فقط در جبهه ها از آن سراغ دارم. لحظه ای که لبیک ها گفته می شد اشک شوق در دیدگان جوانان دانشجو موج می زد و تولدی دوباره را پیغام می داد.

ساعت دو بامداد روز یکشنبه ۷۶/۵/۵ به مکه معظمه رسیدیم و پس از تحویل وسائل به هتل، به صورت دسته جمعی به حرم امن الهی، بیت الله الحرام شرفیاب شدیم. لحظه ای استثنایی است برای اولین بار چشم به خانه خدا دوختن، همه مبهورت عظمت بودند و نمی دانستند چه کنند؟! تذکر روحانی کاروان که قبل از هر کاری باید اعمال و مناسک را انجام دهید، دانشجویان را از بلا تکلیفی نجات



داد و همه به دنبال روحانی محترم کاروان؛ «هفت دور طواف خانه خدا»، «دو رکعت نماز طواف»، «هفت بار سعی بین صفا و مروه»، «تقصیر»، «هفت دور طواف النساء» و «دو رکعت نماز طواف النساء»، اعمال واجب عمره بود که انجام گرفت.

در بین سعی صفا و مروه، وقت اذان صبح شد و دانشجویان اولین نماز صبح خود را در سعی بین صفا و مروه به جماعت برگزار کردند. پس از اعمال، به زیارت خانه خدا پرداختند و حاجات خود را در کنار حجرالأسود از خداوند متعال خواستند تجربه مدینه باعث گردید دانشجویان قدر اوقات حضور در مکه را بیشتر احساس کنند. از همان اول، تلاوت قرآن را آغاز کردند و تعداد زیادی از دانشجویان موفق گردیدند که در مکه معظمه نیز قرآن را ختم کنند.

شرکت در نمازهای جماعت در مسجدالحرام، طواف به نیابت از طرف شهدا، پدر و مادر، برادران و خواهران، ائمه اطهار علیهم السلام و تلاوت قرآن کریم کار هر ساعت دانشجویان در مکه معظمه بود. انجام عمره به نیابت از ائمه اطهار علیهم السلام و پدر و مادر و خواهر و برادر و دوستان و مسئولان محترمی که در برگزاری این حج عمره مشارکت داشته‌اند، در هر شب به رقابت گذاشته شده بود. تعداد زیادی از دانشجویان موفق شدند که هر شب به عمره پردازند.

تمامی دانشجویان حداقل سه بار عمره به جا آوردند و قریب به سی و شش نفر موفق شدند که شش بار عمره را به جا آورند. دانشجویان شب‌ها یا در عمره و انجام مناسک آن بودند یا به عبادت در خانه خدا مشغول می‌شدند و روزها هم به طواف گرد خانه خدا، قرائت قرآن و نمازهای مستحبی می‌پرداختند.

روز سه شنبه، دانشجویان از صحرای منا و عرفات، محل رمی جمرات، جبل‌الرحمه، کوه ثور و کوه جرا، بازدید به عمل آوردند و توضیحات لازم توسط روحانی محترم کاروان داده شد، همخوانی دانشجویان در صحرای عرفات و منا جلوه خاصی به کاروان بخشیده بود.

یکی از دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، پس از بازگشت از سفر عمره، تحویل

ایجاد شده در روح و جان خود را چنین ترسیم کرده است:

از مکه بازگشتم، بعد از آمدن از مکه تا حدود دو هفته حال خودم را نمی‌فهمیدم.

دل آشوب و نگران بودم. حالتی پریشان به من دست داده بود. سرگردان بودم و انتظار می‌کشیدم ولی انتظار چه چیز را؟ نمی‌دانم. آمادگی کامل برای گریه کردن داشتم و به هر بهانه‌ای بود و با کوچکترین محرک گریه‌ام می‌گرفت، خودم این‌طور تحلیل می‌کردم که دلم تنگ شده است و این انتظار، انتظار دیدار دوباره آنجاست. یک روز نشستم و فکر کردم که بفهمم این دلتنگی و اضطراب من برای چیست؟ خوب که فکر کردم دیدم برای رفتنم به آنجا می‌توانم دلایل معقول بیاورم و خودم را قانع کنم؛ مثلاً این که خدا خواست که من قسمتم شود و مکه و مدینه را از نزدیک ببینم که بهانه‌ای دیگر نداشته باشم یا کلاً خدا می‌خواست که آدم شوم و برای همین مرا به آنجا دعوت کرد. خلاصه از اینجور دلپها که به عقل من جور در می‌آید ولی چیزی که در اینجا نمی‌فهمیدم این بود که برای چه برگشتم به ظاهر، شاید پرسش مسخره‌ای باشد ولی درست که فکر می‌کردم نمی‌فهمیدم که چرا برگشته‌ام؟ مگر نه این که در شبانه روز، ۱۷ رکعت نماز به سوی این سرزمین رو می‌کنی، مگر نه این که غذا خوردن و خوابیدن در جهت این سرزمین است. تمامی کارهای روزمره را که بخواهی با توجه و عنایت انجام دهی رو به این سو می‌کنی و جهت‌گیریهای درست روزمره‌ات در این جهت است، خوب حالا که رسیده‌ای به اینجا، رسیده‌ای به مرکز دایره‌ای که از دور به صورت شعاعی به طرفش کشیده، می‌شدی، حالا درست در سرزمینی هستی که مسلمانان تمام دنیا، هم اکنون رو به این سو دارند؛ قطب عالم. خوب حالا که بدین جا رسیدی به مدینه فاضله، شربت اندر شربت، نور علی نور، برگشت چه معنایی دارد؟ بر می‌گردی که چه؟ به کجا؟ که دوباره از دور رو به اینجا کنی و در تب و تاب برگشت باشی که دوباره حسرت دیدار لحظه لحظه‌هایش را داشته باشی؟! این فکر روزها مرا عذاب می‌داد و گیج و سرگردانم کرده بود، نمی‌فهمیدم بعد از دل بریدن و به یگانه رسیدن، برگشتن و دوباره به همان زرق و برقه‌های روزمره دل بستن چه مفهومی دارد؟ دوباره برگشتی که به همان چیزهای دست و پاگیر دل‌بندی؟! برگشته‌ای که در همان محبس قدیمی زندانی شوی؟ خیلی مسخره به نظر می‌رسید، مکه و کعبه بدین زیبایی را دیده بودی و حالا مجبوری به چیزهایی دل‌بندی که زیباییش در مقابل آنها بارها و بارها ناچیز است؟!



خدایا! معنای این بازگشت چه بود؟ شبهای زیادی به این مسأله فکر کردم، شاید بتوانم این التهاب را در درونم خاموش کنم. کم‌کم فهمیدم که بازگشت اصلاً چیز غیرمنطقی و نامعقولی نبود، اشکال من در حقیقت اینجا بود که هدف نهایی و غایی را رسیدن به کعبه و مکه و می‌دانستم البته نه آشکارا و بارز ولی دلم این طور پذیرفته بود؛ یعنی این که شاید زمانی کاملاً قبول داشتم که مکه و رسیدن به آن هدف نیست ولی دقیقاً اشکال من این بود که عقلاً این گونه پذیرفته بودم، به همین دلیل برگشت از آنجا را کاری کاملاً برضد عقل می‌دانستم. در حقیقت آنچه که این سرزمین را مکه و مدینه کرده بود، آنچه که از این چهار دیوار، کعبه مسلمین بنا کرده بود، آنچه این دو سرزمین را مقدس ساخته بود و آن زیبایی با عظمت را در آن پدید آورده بود و آرزوی دیدارش را در دل مشتاقان قرار داده بود «نزع» بود؛ کنده شدن، گسیختن، جداشدن، پاره شدن از زنجیرهای محکم و قید و بندهای دنیوی. رها شدن و آزادگشتن از منجلاب دنیا، گریختن و پرواز کردن و اوج گرفتن به سوی یگانه معبود، به سوی حق و به سوی زیباترین این است که مکه را مکه می‌کند و مدینه را مدینه و بقیع را برای عاشقان ربیبا می‌گرداند، گورستانی که جز مستی خاک ظاهراً چیزی ندارد.

کعبه بهانه است بهانه‌ای است برای کشاندن خلق خدا. کدام خلق؟ سنجیده شدگان و رهاسدگان و آزادگشتگان. در این صورت است که زیبایی یگانگی را می‌فهمی؛ زیبایی که تا به حال در هیچ جای دنیا ندیدی، نشنیدی و نچشیدی. در هیچ تابلوی نقاشی، در هیچ منظره طبیعی، در هیچ نگاه دلنشینی، در هیچ احساس لطیفی و... زیبایی وصف ناشدنی که برای اولین بار درک می‌کنی چیزی بالاتر از زیبایی که واژه‌ای در خورشائش نیست واقعاً زیباست. این عظمت و زیبایی به قدری است که همه، کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد، سیاه و سفید، همگی با لباسهای سفید در کنار همند ولی به قدری مبهوت این زیبایی اند که به زیباییهای اطراف اصلاً توجهی ندارند.

آری این زیبایی نه فقط به خاطر چهار دیوار کعبه بلکه مهم‌تر از آن، محیط معنوی آنجا بود و این کاملاً درسی بود که به همگان می‌آموخت هر کجا می‌تواند مکه باشد، به شرطی که محیط آن به گونه محیط مکه باشد. من برگشته‌ام که مکه و مدینه را در اینجا برای خود بسازم رفتن به آنجا بهانه‌ای بود برای الگو گرفتن.

این سفر به من نشان داد که چگونه می‌توان زیبایی را برای زندگی به ارمغان آورد، زیبایی وصف ناشدنی که در این رها شدن و اوج گرفتن نهفته است، هر کجا که دل کندی و برای او شدی آنجا کعبه است.

به امید آن که این حرکت ارزشمند و خداپسندانه همچنان ادامه یابد و دانشجویان عزیز دانشگاه‌های سرتاسر کشور بتوانند از ثمرات و فواید فراوان معنوی و اخلاقی سفر زیارتی عمره بهره‌مند گردند.